



دولت پای میز مذاکره شهرداری پای سفره مردم

شهرداری چه کالاهایی را با قیمت ثابت عرضه می‌کند؟

شهرداری تهران این کالاها را در طرح خود با قیمت ثابت عرضه خواهد کرد: برنج، گوشت، ماکارونی، روغن، شکر، خرما، سویا، عدس، لوبیا چیتی، لوبیا قرمز، نخود و لپه. این مواد غذایی جزو اقلامی هستند که در دولت پزشکیان گرانی شدیدی را تجربه کرده‌اند.

وقتی مدیریت شهری با وجود نواقص و ایرادات واضح، برای کاهش قیمت ۱۲ کالای اساسی تلاش می‌کند، سؤال از دولت پزشکیان این است: چرا بازار معیشت مردم را به حال خود رها کرده‌اید و همه چیز را به جنگ ربط می‌دهید؟

روزنامه چارسوگ پیش از این بارها در گفت‌وگو با کارشناسان، از سیاست‌های شهرداری تهران در حوزه مدیریت شهری انتقاد کرده است اما انصاف حکم می‌کند از اقدام جدید شهرداری برای مهار گرانی تقدیر کرد خصوصاً آنکه دولت پزشکیان که مسئول اصلی تنظیم بازار است، مشغول سیاسی‌کاری و بازی مذاکره بوده و مردم را به حال خود رها کرده است.

مواد خوراکی	قیمت در پایان دولت شهید رئیسی (تومان)	قیمت در شهریور ۱۴۰۵ (تومان)	درصد گرانی
برنج ایرانی درجه یک	۱۱۹۷۱۰	۵۲۸۴۰۰	۳۴۱
برنج خارجی درجه یک	۶۱۳۲۰	۳۰۲۲۵۰	۳۹۳
ماکارونی	۲۰۱۸۰	۵۳۴۹۰	۱۶۵
گوشت گوسفند	۶۷۹۴۸۰	۱۷۶۱۵۱۰	۱۵۹
گوشت گاو یا گوساله	۵۶۹۶۵۰	۱۷۷۶۰۴۰	۲۱۲
روغن مایع	۶۲۴۸۰	۴۰۰۷۸۰	۵۴۱
روغن نباتی جامد	۶۶۸۵۰	۴۸۱۰۸۰	۶۲۰
نخود	۸۸۷۳۰	۳۲۴۷۶۰	۲۶۶
لوبیا چیتی	۱۱۸۲۹۰	۵۴۵۳۵۰	۳۶۱
لوبیا قرمز	۱۱۵۵۷۰	۴۱۰۵۷۰	۲۵۵
عدس	۱۰۳۳۰۰	۳۰۸۴۲۰	۱۹۹
لپه	۹۴۵۳۰	۳۵۹۴۹۰	۲۸۰
شکر	۴۹۰۶۰	۱۲۹۸۴۰	۱۶۵



شکایت وزارت کار از روزنامه چارسوگ

دادگستری استان تهران طی ابلاغیه‌ای به مهدی مهرپور، مدیرمسئول روزنامه چارسوگ، شکایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از این روزنامه را اعلام کرد.

در این ابلاغیه آمده است: در خصوص شکایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی علیه شما مبنی بر اقرار و هتک حیثیت یا اضرار به دیگری و توهین به مقامات و نشر اکاذیب در وقت مقرر جهت رسیدگی در شعبه حاضر شوید.



تنها قطار سریع‌السیر در دولت پزشکیان



تک‌نرخ کردن ارز عامل افزایش مداوم قیمت ارز دولتی



می‌کنند و بازار تک‌نرخ به وجود خواهد آمد؛ ولی اگر سایر فروشندگان احساس کنند فروشنده رهبر توان پاسخگویی به تقاضای کل بازار را ندارد و به زودی دارایی وی به اتمام رسیده و امکان فروش با قیمتی متفاوت برای آنها به وجود خواهد آمد، تبعیت از قیمت فروشنده رهبر را کنار می‌گذارند و نرخی بیشتر از نرخ فروشنده رهبر را برای دارایی خود تعیین می‌کنند. در چنین شرایطی بازار چند نرخی به وجود خواهد آمد. با این توصیف شرط لازم برای تک‌نرخ کردن بازار آن است که دولت بتواند تمامی تقاضای بازار ارز را پوشش دهد به گونه‌ای که سایر فروشندگان ارز امید اتمام ارز دولتی و امکان فروش ارز با قیمت‌های بالاتر را از دست ندهند نه اینکه دولت نرخ ارز دولتی را مطابق با قیمت فروش سایر فروشندگان ارز تعیین نماید. در شرایط جنگی و تحریمی که منابع ارز دولتی دچار محدودیت می‌شود و تقاضای ارز از عرضه آن سبقت می‌گیرد، خود به خود شرایط بازار ارز چند نرخی ایجاد می‌شود زیرا هم خریداران ارز امید خرید ارز دولتی ارزان را از دست می‌دهند و حاضری می‌شوند قیمت‌های بالاتری را پرداخت کنند و هم سایر فروشندگان انتظار اتمام ارز دولتی و امکان تعیین نرخ ارز دلخواه خود را خواهند داشت و در این شرایط افزایش نرخ ارز دولتی موجب تک‌نرخ شدن نشده بلکه موجب افزایش نرخ ارز غیردولتی و بروز تورم ناشی از افزایش نرخ‌های ارز می‌شود. از طرف دیگر با توجه به محدودیت منابع ارزی دولت در شرایط جنگ و تحریم، سیاست استفاده از ارز دولتی ارزان برای پوشش تقاضای غیرضروری به قصد جلوگیری از شکل گرفتن نرخ‌های دیگر نیز سیاست غلطی است که نباید اجرا شود.

بنابراین در شرایط جنگی که زمینه چند نرخی شدن بازار ارز به وجود می‌آید هم سیاست تبعیت نرخ ارز دولتی از نرخ ارز غیردولتی و هم سیاست فروش عام ارز ارز دولتی غلط و مضراست و باید سیاست‌های دیگری را اتخاذ نمود.

یکی از توجیهات دولت برای افزایش نرخ ارز دولتی، تلاش برای تک‌نرخ کردن بازار ارز بوده است. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی سیاست تک‌نرخ کردن بازار ارز، تجربه نشان داده که افزایش نرخ ارز دولتی بلافاصله موجب افزایش نرخ ارز غیردولتی شده و علاوه بر ناتوانی تک‌نرخ نمودن بازار ارز، تورم شدیدی را نیز به دنبال خود آورده است. حال اگر در شرایط جنگی مسئولان بانک مرکزی بخواهند به بهانه لزوم تک‌نرخ کردن بازار ارز نرخ ارز دولتی را افزایش دهند، نرخ ارز غیردولتی و تورم در سایر بازارهای جهشی بحران‌آفرین خواهد داشت. بنابراین در قبال سیاست تک‌نرخ نمودن بازار ارز دو سوال مهم مطرح می‌شود. سوال اول این است که آیا سیاست تک‌نرخ کردن بازار ارز در هر حالت و وضعیتی سیاست مطلوبی است یا در برخی شرایط باید به تفاوت در نرخ ارز تن داد؟ سوال دوم آن است که با فرض مطلوب بودن سیاست تک‌نرخ کردن بازار ارز، آیا با افزایش نرخ ارز دولتی و تطابق با نرخ ارز غیردولتی می‌توان بازار ارز را تک‌نرخ نمود؟

تجربه نشان داده که تنها هنگامی می‌توان یک بازار را تک‌نرخ کرد که یک فروشنده با ظرفیت فروش بالا دارایی خود را با نرخی مساوی یا کمتر از سایر فروشندگان به فروش بگذارد به گونه‌ای که یا کل تقاضای بازار را پوشش دهد و یا فروشندگان دیگر را نیز مجبور به تبعیت از نرخ فروش خود نماید.

وقتی سایر فروشندگان احساس کنند فروشنده رهبر توان پاسخگویی به کل تقاضای بازار را دارد و امکان تمام شدن دارایی و کمیاب شدن آن وجود ندارد، خود به خود نرخ فروشنده رهبر را برای فروش دارایی خود نیز تعیین می‌کنند و به این صورت از قیمت وی تبعیت

محمدامین لنگری
کارشناس اقتصاد





حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
در پیامی به سی‌وسومین اجلاس
سراسری نماز تأکید کردند؛

نهادینه و فراگیر شدن نماز لازمه رسیدن به جامعه اسلامی

سی و سومین اجلاس سراسری نماز، صبح دپروز با پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در جوار حرم رضوی (ع) آغاز بکار کرد.

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در پیام خود به این اجلاس، اقامه نماز را اولین ثمره و نشانه حکومت صالحان خواندند و با اشاره به اینکه لازمه رسیدن به مرحله جامعه اسلامی اقامه نماز و نهادینه و فراگیر شدن آن است، تأکید کردند: خانواده ها، «علمان و اساتید»، نخبران، چهره های مشهور و دستگاه‌های فرهنگ ساز مسئولیت مضاعفی برای اقامه نماز در جامعه دارند.

متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

توْجِه به امرِ والای «اقامهٔ نماز» و به‌صورت خاص برگزاری اجلاس نماز، از جمله اقدامات ضروری و بایسته‌ای است که از ابتدای دههٔ هفتاد در کشور به همت عالم مجاهد و مردمی، استاد قرآن و مبلغ زبردست حجة الاسلام والمسلمین قرائتی دامت برکاته شکل گرفته است. اهتمام ویژهٔ رهبر عظیم‌القدر شهید اعلی الله مقامه الشَّریف به این امر و توصیه‌های مهم، مستمر و مؤگد ایشان در پیام‌های مربوط به سی و دو اجلاس گذشته نیز بر اهمیت این خط‌مشی می افزاید.

بی‌شک سجنه گفتن یا نوشتن پیرامون نماز، در شأن و تراز وحی الهی و کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمهٔ معصومین علیهم الصَّلاة و السَّلام است و قلم امثال این جانب، کوچک‌تر از آن است که در باب عمق معارف نماز مطلبی بنگارد. اقا هویت و اقتضائات جامعهٔ اسلامی و وظایف خادمان آن خصوصاً رهبری انقلاب اسلامی چنان ایجاب می کند که چند جمله‌ای از این جهت برای خودم و آحاد مردم و مسئولان متذکر شوم.

نماز از سمله زیباترین نعمت‌های بزرگ حضرت حق جلّ و علا، برترین نهاد و نهاد و ستون دین، رشتهٔ اتصال هریک از ما برای ارتباط نزدیک و مستقیم با منبع لایتناهی و لایزال الهی است. این اکسیر فلاح و رستگاری و رکن حیات طَیِّبه، هم پشتوانهٔ مستحکم و مستمر و ذخیرهٔ تمام‌نشدنی انسان در مبارزه با شیطان نفس و شیطان‌های دنیوی است، و هم چشمهٔ جوشان عشق و امید و مهریانی و آرامش است، و نزول برکات و فراوانی ارزاق الهی از ناحیهٔ اقامهٔ نماز و استغفار صورت گرفته و افزایش می یابد.

اُقا رِیضهٔ نماز، تنها یک تکلیف فردی نیست و بنا بر آموزهٔ قرآن، برپاداشتن نماز، اولین ثمره و نشانهٔ حکومت صالحان است که «الَّذِينَ اٰمَنُوْا مِنْهُمْ فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ». بیان این آیه دقیقاً پس از آیهٔ وعدهٔ نصرت الهی در مورد یاران خداوند متعال و جهاد آن‌ها در سورهٔ مبارکهٔ حج نشان می‌دهد اقامهٔ نماز به‌عنوان تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، نقش ویژه‌ای در جهاد و فتح و ظفر در میدان‌های مبارزه خصوصاً میدان مبارزهای که امروز پیش روی مِلّت ایران است، دارد.

امروز که شرط عُکنت و قدرت مردم عزیز ایران بیش از پیش فراهم شده است، یکایک مِلّت مبعوث، مخاطب این دستور مکرر الهی برای اقامهٔ نماز هستند که «اقیموا الصَّلاة»، علاوه براین، همهٔ اشخاص مؤثّر در جامعه از پدران و مادران و خانواده‌ها تا معلمان و دوستان، از اساتید و نخبران تا چهره‌های شناخته شده و افراد مشهور، و نیز تمامی نهادها و دستگاه‌های فرهنگ ساز از جمله مساجد، نماز‌های جمعه، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، صداوسیما، فعالان فرهنگی و اجتماعی، و بسیج مردمی خصوصاً آن‌هایی که با قشر نوجوان و جوان در ارتباط هستند، مسئولیت مضاعف در این امر دارند.

اقامهٔ نماز در همهٔ مراحل تکمیلی و سطوح تکاملی اش در پهنهٔ جامعه و کشوری که پرچم اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله وسلم را برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر شده، در زمرة اهمّ امور است و برای فراهم شدن زمینهٔ طیّ طریق از مرحلهٔ نهضت و انقلاب اسلامی تا مرحلهٔ جامعهٔ اسلامی، امری ضروری است و بعد از آن است که نیل به مرحلهٔ تمدّن اسلامی میسر خواهد شد.

نهادینه شدن و فراگیر و همگانی شدن نماز و آنگاه تلاش عمومی برای نیکو به‌جای آوردن آن، دو ضلع اصلی خطّ تلاش برای وصول به این مهم است و آبادانی مساجد و سایر تمهیدات برای گسترش کمیت و ارتقاء کیفیت صوری نمازهای جماعت و جمعه، مقدّمات لازم برای دست یافتن به این مقصد مهم می باشند.

در همهٔ این موارد، نقش ائمهٔ جماعات و جمعه که باید مأمّن مردم و گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان باشند، بسیار برجسته است.

امید وارم که با تقوّلات الهی و توّجّه و دعای خاص سرورمان

عجل الله تعالی فرجه الشَّریف، مِلّت و کشور عزیزمان در امر اقامهٔ

نماز و بهره‌مندی از فیوضات و برکات آن موفق و مؤیّد باشند.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای | ۹ مهر ۱۴۰۵



نسخه شهرداری برای مهار گرانی، دولت پزشکيان همچنان تماشاگر بازار؛

دولت پای میز مذاکره شهرداری پای سفره مردم

روزنامه چارسوق پیش از این بارها در گفت‌وگو با کارشناسان، از سیاست‌های شهرداری تهران در حوزه مدیریت شهری انتقاد کرده است اما انصاف حکم می‌کند از اقدام جدید شهرداری برای مهار گرانی تقدیر کرد خصوصاً آنکه دولت پزشکيان که مسئول اصلی تنظیم بازار است، مشغول سیاسی‌کاری و بازی مذاکره بوده و مردم را به حال خود رها کرده است

گزارش

به مقدار افزایش قیمت کالاهای اساسی در یک سال اخیر نگاه کنید: روغن جامد ۳۷۱ درصد، روغن مایع ۳۲۲ درصد، تخم‌مرغ ۲۶۴ درصد، برنج خارجی ۲۰۹ درصد، سیب‌زمینی ۱۷۵ درصد، پنیر ۱۵۶ درصد، شیر ۱۴۹ درصد، کنسرو ماهی تن ۱۴۴ درصد، دوغ ۱۳۳ درصد، گوجه ۱۳۰ درصد، ماست ۱۲۹ درصد، مرغ ۱۲۸ درصد، گوشت ۱۱۸ درصد، جای ۱۱۸ درصد و ...

در این شرایط تورمی که بالاترین فشار دهه‌های اخیر به مردم وارد می‌آید متأسفانه دولت پزشکيان دست روی دست گذاشته و با ربط دادن همه چیز به جنگ و تمرکز ۱۰۰ درصدی همه رگان دولت به مذاکره واهی با ترامپ، مردم را با شدیدترین فشار تورمی به حال خود رها کرده است. اما در روزهای اخیر شهرداری تهران با کلید زدن اقدامی هرچند با معایب و ایرادات واضح، تلاش دارد حداقل قیمت ۱۲ قلم خوراکی را تا پایان سال ثابت نگه دارد یا مانع افزایش چند برابری قیمت آنها شود. در روزهایی که گرانی کالاهای اساسی به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های مردم تبدیل شده، یک طرح جدید در تهران در حال اجراست: تجربه‌ای که فارغ از میزان موفقیت نهایی آن، یک پیام روشن دارد: مدیریت بازار، حتی در شرایط دشوار اقتصادی ویس از جنگ، غیرممکن نیست.

شهرداری تهران از ابتدای مهر ماه طرح «تورم صفر» را برای عرضه تعدادی از کالاهای اساسی آغاز کرده است. براساس اعلام مدیریت شهری، ۱۲ قلم کالا شامل برنج، گوشت، ماکارونی، روغن، شکر، خرما، سویا، عدس، لوبیا چیتی، لوبیا قرمز، نخود و لپه قرار است تا فردین ۱۴۰۶ در میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند با قیمت ثابت عرضه شوند. این طرح در ۱۰۸ مرکز در ۲۲ میدان میوه و تره‌بار و همچنین فروشگاه‌های شهروند اجرایی شود.

البته ثابت ماندن قیمت در یک شبکه محدود، به معنای کنترل کل بازار نیست و باید دید این طرح در عمل تا چه اندازه می‌تواند به دسترسی گسترده خانوارها، تأمین مستمر کالا و جلوگیری از انتقال کالاهای ارزان به بازار آزاد منجر شود. حتی مسائلی مانند منابع مالی، تأمین کالا و جلوگیری از سوءاستفاده از اختلاف قیمت از چالش‌های این طرح است که قطعاً در اجرا به چشم خواهد آمد.

اما همین اقدام یک سؤال مهم‌تر پیش روی دولت پزشکيان قرار می‌دهد: اگر شهرداری تهران می‌تواند برای بخشی از کالاهای اساسی مردم، شبکه تأمین و عرضه ایجاد کند و قیمت آنها را برای یک دوره مشخص تثبیت کند یا حداقل مانع از افزایش چند برابری چرا، دستگاه‌های اصلی مسئول تنظیم بازار در دولت پزشکيان نباید با ابزارهای گسترده‌تر خود برای مهار التهاب بازار اقدام کنند؟

باز رانمی‌شود فقط تماشا کرد

مسئولیت اصلی سیاست‌گذاری و تنظیم بازار کالاهای کشاورزی و اساسی در اختیار دولت است و وزارت جهاد کشاورزی دستگاه اصلی این حوزه به شمار می‌رود. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت یک شهرداری با امکانات و حوزه اختیارات محدود، جایگزین سیاست‌گذاری ملی بازار شود.

با این حال، مسئله امروز این است که مردم با افزایش قیمت اقلامی مواجه‌اند که بخش قابل توجهی از آنها مستقیماً یا سیاست‌های تولید، واردات، ذخایر، توزیع و تنظیم بازار ارتباط دارند.

مرغ، گوشت، برنج، تخم‌مرغ و روغن در سطوح بالایی قرار داشته است. این ارقام فقط «عدد روی برچسب» نیستند؛ مستقیماً به سفره

خانوار مربوط می‌شوند. وقتی قیمت کالاهای ضروری مرتب تغییر می‌کند، خانوار نه‌تنها قدرت خرید خود را از دست می‌دهد، بلکه امکان برنامه‌ریزی برای هزینه‌های ماهانه را نیز از دست خواهد داد.

تفاوت دو رویکرد

تفاوت اصلی در اینجا نه میان «شهرداری» و «دولت» بلکه میان دو نوع نگاه به بازار است. در یک رویکرد، افزایش قیمت‌ها صرفاً با عوامل بیرونی مانند جنگ، تحریم، نرخ ارز و اختلالات زنجیره تأمین توضیح داده می‌شود و نتیجه عملی آن می‌تواند این باشد که بازار مسیر خود را طی کند و بالاترین تورم ۱۲ سال اخیر به مردم تحمیل می‌شود و دولت نیز مشغول مذاکره با این است که مردم با افزایش قیمت اقدامی

مواجه‌اند که بخش قابل توجهی از آنها مستقیماً یا سیاست‌های تولید، واردات، ذخایر، توزیع و تنظیم بازار ارتباط دارند.

مرغ، گوشت، برنج، تخم‌مرغ و روغن در سطوح بالایی قرار داشته است. این ارقام فقط «عدد روی برچسب» نیستند؛ مستقیماً به سفره

خانوار مربوط می‌شوند. وقتی قیمت کالاهای ضروری مرتب تغییر می‌کند، خانوار نه‌تنها قدرت خرید خود را از دست می‌دهد، بلکه امکان برنامه‌ریزی برای هزینه‌های ماهانه را نیز از دست خواهد داد.

ارائه کند. مدیریت شهری پیش از اجرای طرح نیز اعلام کرده بود که با استفاده از ظرفیت میادین میوه و تره‌بار به دنبال عرضه کالا با قیمت پایین‌تر از بازار است. این اقدام شاید نتواند تورم کل اقتصاد را متوقف کند؛ شهرداری نه بانک مرکزی است، نه وزارت جهاد کشاورزی و نه مسئول سیاست‌ریزی کشور. اما می‌تواند در محدوده اختیار خود، بخشی از فشار قیمتی را کاهش دهد.

جنگ، مجوز رها کردن بازار نیست

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های امروز اقتصاد ایران این است که آیا «جنگ» باید به توجیه گرهم افزایش قیمت‌ها تبدیل شود یا اینکه دولت پزشکيان باید حتی در شرایط جنگی، برای مدیریت بازار برنامه داشته باشد؟ طبیعی است که جنگ می‌تواند هزینه حمل‌ونقل، تأمین مواد اولیه، واردات، بیمه، تجارت خارجی و زنجیره توزیع را افزایش دهد. اما همین واقعیت، ضرورت مدیریت بازار را بیشتر می‌کند، نه کمتر. در شرایط جنگی، دولت معمولاً باید پیش از گذشتن به رها کردن پزشکيان باید حتی در شرایط جنگی، شفاف و قابل سنجش ارائه کند؟ جنگ ممکن است قیمت تمام‌شده را بالا ببرد؛ تحریم ممکن است مسیر تأمین را دشوار کند و نرخ ارز ممکن است هزینه واردات را افزایش دهد. اما هیچ کدام به این معنا نیست که بازار باید بدون سیاست‌گذاری رها شود. تفاوت مدیریت و رهاشدگی بازار دقیقاً همین جاست: در شرایط سخت، یک سیاست‌گذار به دنبال توضیح مشکلات است و یک سیاست‌گذار علاوه بر توضیح مشکل، به دنبال راه‌حل برای کاهش اثر آن بر سفره مردم می‌گردد.

شهرداری استین بالا زد: دولت پزشکيان دست روی دست گذاشت

بازار رانمی‌شود به حال خود رها کرد؛ وقتی شهرداری برای مهار گرانی کالاهای اساسی وارد میدان می‌شود، چرا وزارت جهاد کشاورزی تماشاگر سفره مردم است؟ در روزهایی که گرانی کالاهای اساسی نفس خانوارها را گرفته و هر بار مراجعه مردم به بازار با یک قیمت جدید همراه باشد، یک اتفاق در تهران بیش از آنکه صرفاً یک طرح شهری باشد، به یک آزمون مدیریتی برای دولت پزشکيان تبدیل شده است: شهرداری تهران اعلام کرده است که ۱۲ قلم کالای اساسی را برای یک دوره مشخص با قیمت ثابت عرضه می‌کند. این طرح شاید نتواند تمام بازار را کنترل کند و حتی ممکن است در مسیر اجرا با مشکلاتی مانند تأمین کالا، منابع مالی و اختلاف قیمت با بازار آزاد مواجه شود؛ اما یک واقعیت مهم‌تر به نمایش می‌گردد: برای مدیریت بازار، همیشه لازم نیست منتظر معجزه ماند؛ باید وارد میدان شد.

شهرداری وارد میدان شد: دولت پزشکيان کجاست؟

قرار نیست این اقدام شهرداری را جایگزین سیاست تنظیم بازار ملی دانست. اساساً شهرداری چنین اختیاری ندارد. اما همین اقدام محدود یک سؤال بزرگ را مقابل دولت پزشکيان قرار می‌دهد: اگر یک نهاد شهری می‌تواند برای بخشی از کالاهای اساسی شبکه تأمین و عرضه ایجاد کند، چرا دستگاه‌های متولی بازار در سطح ملی نباید برای کنترل قیمت‌ها برنامه‌ای جدی داشته باشند؟ دولت پزشکيان ابزارهایی دارد که شهرداری حتی به بخش کوچکی از آنها دسترسی ندارد: از سیاست واردات و صادرات و ذخایر گرفته تا ارز، گمرک، نهاده‌های تولید، شبکه توزیع و ابزارهای نظارتی.

با این حال، مردم در بازار بیشتر از آنکه نتیجه سیاست تنظیم بازار را ببینند، با برچسب‌های جدید قیمت مواجه‌اند.

نسخه دولت پزشکيان برای گرانی؛ جنگ‌ش!

مشکل از جایی آغاز می‌شود که «جنگ» به توضیح آماده برای هرافزایش قیمت تبدیل شود. تردیدی نیست که جنگ می‌تواند هزینه‌های اقتصاد را افزایش دهد. اختلال در تجارت، حمل‌ونقل، بیمه، تأمین کالا و دسترسی به منابع ارزی می‌تواند بر قیمت‌ها اثر بگذارد. اما سؤال مردم این نیست که آیا جنگ اثر اقتصادی دارد یا نه؟ سؤال این است: دولت پزشکيان در برابر این آثار چه کرده است؟ وقتی قیمت یک کالای اساسی افزایش پیدا می‌کند، مردم نمی‌توانند در فروشگاه به فروشنده بگویند «به خاطر جنگ گران نکن!» این دولت است که باید از قبل برای چنین شرایطی ذخیره، واردات، توزیع، نظارت و شبکه عرضه را طراحی کرده باشد.

جنگ، مسئولیت دولت را حذف نمی‌کند؛ بلکه مسئولیت دولت را سنگین‌تر می‌کند.

وزارت جهاد کشاورزی: تنظیم بازار با تنظیم توضیحات؟

در این میان، نقش وزارت جهاد کشاورزی بیش از دیگر دستگاه‌ها مورد سؤال است. وزارتخانه‌ای که بخش مهمی از زنجیره کالاهای اساسی، از تولید و واردات تا نهاده و تنظیم بازار محصولات کشاورزی را در اختیار دارد، نمی‌تواند صرفاً ناظر افزایش قیمت‌ها باشد. اگر گوشت گران می‌شود، باید زنجیره گوشت بررسی شود. اگر مرغ گران می‌شود، باید هزینه نهاده، تولید، کشتار، حمل‌ونقل و توزیع روی میز بیاید. اگر برنج جهش قیمتی پیدا می‌کند، باید درباره موجودی، واردات، شبکه توزیع و نقش واسطه‌ها پاسخ روشن داده شود.

بازار جای حدس و گمان نیست: بازار عدد و اقدام می‌خواهد. مردم باید بدانند چه تالایی، با چه میزان ذخیره، با چه قیمتی و از چه مسیری قرار است به دست مصرف‌کننده برسد.

دلال، همیشه یک قدم جلوتر از دولت؟

یکی از مهم‌ترین مشکلات بازار کالاهای اساسی، فاصله میان تولیدکننده و مصرف‌کننده است؛ فاصله‌ای که در بسیاری از موارد، واسطه‌ها و شبکه توزیع در آن نقش تعیین‌کننده دارند. وقتی دولت از تولیدکننده خرید می‌کند اما کالا با چند مرحله واسطه به دست مصرف‌کننده می‌رسد، طبیعی است که بخشی از فشار تورمی در همین زنجیره ایجاد شود. اینجا سست که عرضه مستقیم اهمیت پیدا می‌کند. شهرداری تهران با استفاده از ظرفیت میادین و فروشگاه‌های خود تلاش کرده است بخشی از این زنجیره را کوتاه کند. این دقیقاً همان کاری است که دولت پزشکيان باید در مقیاس ملی انجام دهد؛ نه اینکه بازار را به حال خود رها کند و بعد برای افزایش قیمت‌ها توجیه پیدا کند.

شهرداری شاید موفق نشود؛ اما یک سؤال را موفق شد مطرح کند

ممکن است طرح شهرداری تهران به تمام اهداف خود نرسد. ممکن است منابع آن محدود باشد. ممکن است تأمین مستمر کالا دشوار شود. ممکن است اختلاف قیمت میان عرضه دولتی و بازار آزاد باعث ایجاد رانت یا بیف شود. همه این نگرانی‌ها واقعی است و باید درباره آنها نظارت شود. اما هیچ کدام اصل مسئله را تغییر نمی‌دهد: شهرداری حداقل تلاش کرده است برای انجام دهد.

و همین مسئله، تفاوت مهمی با رویکردی دارد که در آن افزایش قیمت‌ها صرفاً به عوامل بیرونی نسبت داده می‌شود. اگر سیاست شهرداری ایراد دارد، دولت پزشکيان می‌تواند نسخه کامل‌تر و گسترده‌تر آن را اجرا کند. اگر تثبیت قیمت امکان‌پذیر نیست، دولت پزشکيان می‌تواند از بارانه هدف‌دهند، عرضه مستقیم، ذخایر استراتژیک، تعاونی‌های مصرف، فروشگاه‌های زنجیره‌ای یا سایر ابزارهای تنظیم بازار استفاده کند. اما آنچه قابل قبول نیست، خالی گذاشتن میدان بازار و واگذار کردن آن به دلال و واسطه است.

شهرداری تهران یک نهاد شهری است و طبیعی است که نمی‌تواند قیمت مواد غذایی کشور را تعیین کند. اما دولت، ابزارهایی در اختیار دارد که می‌تواند با آنها بازار را مدیریت کند. دولت می‌تواند واردات را تنظیم کند. می‌تواند ذخایر را مدیریت کند. می‌تواند توزیع را کوتاه کند. می‌تواند با احتکار و گران‌فروشی برخورد کند. می‌تواند عرضه مستقیم را توسعه دهد. می‌تواند از تولیدکننده حمایت کند

تا هزینه تولید کاهش یابد. و مهم‌تر از همه، می‌تواند برای روزهای بحرانی از قبل برنامه داشته باشد. پس مسئله این نیست که چرا شهرداری وارد بازار شده است؛ مسئله این است که چرا دولت پزشکيان با این همه ابزار، نباید در خط مقدم تنظیم بازار باشد؟

سفره مردم، میدان آزمون مدیریت

مردم دیگر با شنیدن اینکه شرایط خاص است» یا «جنگ اثر گذاشته است» قدرت خرید بیشتری پیدا نمی‌کنند. آنها باید بتوانند با درآمد خود کالاهای اساسی را تهیه کنند. دولت پزشکيان نمی‌تواند افزایش قیمت را متوقف کند؟ حداقل باید توضیح دهد چه برنامه‌ای برای کاهش فشار آن دارد. نمی‌تواند قیمت همه کالاهارا ثابت کند؟ باید برای کالاهای حیاتی شبکه عرضه مطمئن ایجاد کند. نمی‌تواند همه واسطه‌ها را حذف کند؟ باید زنجیره‌های پرنیزه را کوتاه کند. نمی‌تواند اثر جنگ را صفر کند؟ باید اثر آن را بر سفره مردم به حداقل برساند. این یعنی حکمرانی اقتصادی.

یک تجربه کوچک، یک مطالبه بزرگ

طرح شهرداری تهران شاید تنها بخش کوچکی از مسئله عظیم گرانی در کشور باشد، اما یک پیام بزرگ دارد: بازار رانمی‌توان به حال خود رها کرد و بعد از مردم خواست هزینه‌ی بی‌عملی را بپردازند. شهرداری با همه محدودیت‌هایش وارد میدان شده و تلاش کرده برای بخشی از کالاهای اساسی قیمت قابل پیش‌بینی ایجاد کند. اکنون نوبت دولت پزشکيان است. به‌ویژه وزارت جهاد کشاورزی باید پاسخ دهد که برای کنترل زنجیره کالاهای اساسی، کوتاه کردن دست واسطه‌های غیرضروری، تأمین مستمر کالا و جلوگیری از جهش قیمت‌ها چه برنامه عملی و قابل سنجشی دارد. جنگ ممکن است قیمت‌ها را بالا ببرد؛ اما رها کردن بازار، انتخاب مدیریتی است. و در نهایت، مردم با توضیح جنگ» سبب خرید خود را نمی‌کنند: مردم از دولت پزشکيان «اقدام» می‌خواهند، نه فقط علت گرانی.

وقتی مدیریت شهری با وجود نواقص و ایرادات واضح، برای کاهش قیمت ۱۲ کالای اساسی تلاش می‌کند، سؤال از دولت پزشکيان این است: چرا بازار معیشت مردم را به حال خود رها کرده‌اید و همه چیز را به جنگ ربط می‌دهید؟

شهرداری چه کالاهایی را با قیمت ثابت عرضه می‌کند؟ شهرداری این کالاهارا در طرح خود با قیمت ثابت عرضه خواهد کرد: برنج، گوشت، ماکارونی، روغن، شکر، خرما، سویا، عدس، لوبیا چیتی، لوبیا قرمز، نخود و لپه. این مواد غذایی جزو اقلامی هستند که در دولت پزشکيان گرانی شدیدی را تجربه کرده‌اند. (جدول)

گزارش

حامد وفايي، عضو هيات علمي دانشگاه تهران و کارشناس شرق آسيا، با بيان اینکه پاسخ به مسئله بازآفريني قدرت ايران بدون پرداختن جدی به چين ممکن نيست، گفت: چين را نبايد با برچسب ساده «نگاه به شرق» به یک پرونده معمول سياست خارجي تقليل داد، بلکه بايد آن را یک پرونده راهبردی، بلندمدت و مرتبط با نظم نوين جهاني دانست. ايران نبايد رابطه با چين را تنها برای افزايش «تاب‌آوری» و کاهش فشارهای خارجي تنظيم کند؛ الگوي مطلوب، انتقال روابط دو کشور از معاملات اقتصادي و بقا در شرايط تحریم به «همسويی سيستماتيک» و همکاری توسعه‌محور است. ايران در شرايط جديد بايد به جای مطالبه حمايت از چين، خود را به عنوان بازیگری فعال در نظم‌سازی معرفي کند، محدوديت‌های واقعي روابط تهران و پکن را صادقانه ببيند و طرح مشخص خود را برای همکاری بلندمدت با چين روی ميز بگذارد.

وفايي گفت: برای پاسخ دادن به اين پرسش که دستور کار کشور برای پايان دادن به چرخه جنگ، تهديد و فشار و تسريع حرکت در مسير پيشرفت چه بايد باشد، ناگزير بايد به موضوع چين پرداخت و نمی‌توان چشم بر نقش اين کشور مهم و تعيين‌کننده در هردو مسئله بست.

وی افزود: نخستين گام در برسي چين اين است که اين کشور را با برچسب «نگاه به شرق» ساده‌سازی نکنيم؛ به اين معنا که بگويم چين نيز مانند ساير کشورها یک پرونده عادی در وزارت امور خارجه، یک ميز و یک سفير دارد و روابطي معمول با آن دنبال می‌شود. چين بايد به عنوان یک پرونده راهبردی، استراتژيک، بلندمدت و مبتني بر تحولات نظم نوين جهاني ديده شود.

چين بايد به یک پرونده راهبردی تبديل شود

وفايي ادامه داد: اگر چين با چنين نگاهی ديده شود، دو هدف اصلي را می‌توان برای روابط با اين کشور تعريف کرد. هدف نخست، کمک به پايان دادن به چرخه معيوب تهديد، فشار و جنگ است؛ موضوعی که می‌تواند از مسير «دفاع عميق تر» ايران در یک نظم غربي» دنبال شود.

اين کارشناس شرق آسيا گفت: بخشی از ضرباتي که جمهوری اسلامي دريافت می‌کند، حاصل درهم‌تيدگي ساخترهای اقتصادي و امنيتي کشور با نظم جهاني گذشته است. در مقابل، در نظم جديد و با حضور کشورهايي مانند چين، «سوپاهايی» ايجاد شده که می‌تواند بخشی از اين فشار را کاهش دهد. وی افزود: هدف دوم و مهم‌تر، بهره‌گيري از یک فرصت تاريخي است؛ هم از جهت تحول نظم جهاني و هم از جهت وضعيت فعلي جمهوری اسلامي ايران. بدون ورود به بحث مواضع چين در نقطه آغاز جنگ، آنچه امروز در نگاه چيني‌ها و احتمالاً روس‌ها خورده‌نامي می‌کند، «قدرت جمهوری اسلامي» است.

وفايي تاکيد کرد: من اسسم اين را صرفاً «قدرت تاب‌آوری» نمی‌گذارم؛ اين قدرت است. وقتي دو قدرت اتمي به کشوري حمله می‌کنند و آن کشور همچنان قادر است کارگري‌های اصلي خود را حفظ

کند، در ادبيات روابط بين الملل اين را بايد قدرت ناميد؛ هرچند اسبب‌های وارد شده را نيز نبايد انکار کرد. وی ادامه داد: بر اساس رصد روزانه رسانه‌ها و منابع انديشکده‌ای چين، اين مسئله برای طرف چيني تثبيت شده که جمهوری اسلامي امروز یک قدرت است. شايد پيش از جنگ، به‌ويژه پس از تحولاتي که در منطقه و محور مقاومت رخ داده بود، ترديد‌هایی در چين درباره جا يگاه ايران ايجاد شده بود، اما تحولات اخير بخشی از اين ترديد‌ها را تغيير داده است.

نه پايان امريکا، نه بازگشت به نظم گذشته

عضو هيات علمي دانشگاه تهران با تاکيد بر ضرورت واقع‌گرایی گفت: اين تحليل به معنای آن نيست که امريکا افول کرده و تمام شده و از اين پس ايران می‌تواند بدون محدوديت با چين کار کند. دلار همچنان جا يگاه خود را دارد. امريکا کشور قدرتمندی است و اروپا نيز همچنان بخشی از معادله است؛ بنابراین نبايد به یک روايت ساده‌انگارانه از پايان غرب رسيد؛ اما می‌توان در شرايط جديد، سياست‌گذاری تازه‌ای انجام داد و فضای متفاوتی را وارد روابط خارجي کشور کرد.

وی تاکيد کرد: مسئله اصلي اين است که دستور کار جمهوری اسلامي در تعامل با چين بايد تغيير کند. تحول ساختاری در سياست خارجي و نظام بين الملل بايد به دستور اصلي روابط ايران و چين تبديل شود.

وفايي افزود: طرف چيني نيز ايران «نگاه راهبردی» می‌خواهد. زماني که رهبران دو کشور بر «مشارکت جامع راهبردی» تاکيد کردند، هدف همين بود، اما اين مشارکت در عمل به سطح مورد انتظار نرسيد. اکنون پس از تحولات اخير، ديگر نمی‌توان همان مسير گذشته را بدون تغيير ادامه داد.

ايران نبايد از چين «حمایت» بخواهد

اين کارشناس روابط بين الملل ادامه داد: در فضای جديد، جمهوری اسلامي نبايد به دنبال «حمایت چين» باشد. اینکه دائماً پرسيده شود چرا چين فلان اقدام را انجام نداد يا چرا فلان حمايت را ارائه نکرد، صورت‌بندي درستي را رابطه نيست. ايران بايد به جای درخواست حمايت، همراه با چين به دنبال تعريف یک فضای قنطضي جديد در نظام بين الملل باشد.

وی تاکيد کرد: ايران شايد در سطحي نباشد که مانند چين یک «قدرت نظم‌ساز» جهاني باشد، اما می‌تواند یک «کشور نظم‌ساز» و اثرگذار در فرآيند شکل‌گيري نظم جديد باشد. در ابتکارات مطرح شده از سوی چين در باره معماری امنيتي منطقه نيز همين تازهای انجام داد و فضای متفاوتی را وارد روابط خارجي کشور کرد.

وی تاکيد کرد: مسئله اصلي اين است که دستور کار جمهوری اسلامي در تعامل با چين بايد تغيير کند. تحول ساختاری در سياست خارجي و نظام بين الملل بايد به دستور اصلي روابط ايران و چين تبديل شود.



روابط ايران و چين بايد از «تاب‌آوری» به «توسعه» تغيير مسير دهد

وفايي افزود: طرف چيني نيز ايران «نگاه راهبردی» می‌خواهد. زماني که رهبران دو کشور بر «مشارکت جامع راهبردی» تاکيد کردند، هدف همين بود، اما اين مشارکت در عمل به سطح مورد انتظار نرسيد. اکنون پس از تحولات اخير، ديگر نمی‌توان همان مسير گذشته را بدون تغيير ادامه داد.

ايران نبايد از چين «حمایت» بخواهد
اين کارشناس روابط بين الملل ادامه داد: در فضای جديد، جمهوری اسلامي نبايد به دنبال «حمایت چين» باشد. اینکه دائماً پرسيده شود چرا چين فلان اقدام را انجام نداد يا چرا فلان حمايت را ارائه نکرد، صورت‌بندي درستي را رابطه نيست. ايران بايد به جای درخواست حمايت، همراه با چين به دنبال تعريف یک فضای قنطضي جديد در نظام بين الملل باشد.

وی تاکيد کرد: ايران شايد در سطحي نباشد که مانند چين یک «قدرت نظم‌ساز» جهاني باشد، اما می‌تواند یک «کشور نظم‌ساز» و اثرگذار در فرآيند شکل‌گيري نظم جديد باشد. در ابتکارات مطرح شده از سوی چين در باره معماری امنيتي منطقه نيز همين تازهای انجام داد و فضای متفاوتی را وارد روابط خارجي کشور کرد.

وی تاکيد کرد: مسئله اصلي اين است که دستور کار جمهوری اسلامي در تعامل با چين بايد تغيير کند. تحول ساختاری در سياست خارجي و نظام بين الملل بايد به دستور اصلي روابط ايران و چين تبديل شود.
روايتان در اين روند مسئولان نيز تحت تاثير قرار گرفته و اين گزاره شکل گرفته که چرا تنگه هرمز بسته شد يا چرا اقدامات اخير انجام شد.
روايتان گفت: به اعتقاد من، نقطه عطف کنونی می‌تواند به تثبيت یک نظم جديد در منطقه منجر شود و قدرت‌هایی مانند چين در اين روند نقش مهمی دارند.

چين اشکازان از گذشته از نقش نظم‌ساز سخن می گوید

وی با اشاره به مواضع اخير چين گفت: شی جين پينگ امروز صريح‌تر از گذشته درباره چين به عنوان عنصر نظم‌ساز صحبت می‌کند و چنين ادبياتي پيش تر با اين وضوح مشاهده نمی‌شد.

وی ادامه داد: اين همان نقطه تعيين‌کننده‌ای است که ممکن است در آينده حضور خود را در منطقه کاهش دهد، احتمالاً به او می‌گفتند متوهم است؛ اما اکنون بسياری از موضوعاتی که در روزهای نخست غيرممکن به نظر می‌رسيد، وارد گفت‌وگوهای عادی شده است.

وی افزود: در همين شرايط، با یک فضا سازی رسانه‌ای سنگين حتی ذهن برخی مسئولان نيز تحت تاثير قرار گرفته و اين گزاره شکل گرفته که چرا تنگه هرمز بسته شد يا چرا اقدامات اخير انجام شد.
روايتان گفت: به اعتقاد من، نقطه عطف کنونی می‌تواند به تثبيت یک نظم جديد در منطقه منجر شود و قدرت‌هایی مانند چين در اين روند نقش مهمی دارند.

بخش مهمی از فشار وارد شده به امريکا برای افکار عمومي ملموس نيست

روايتان ادامه داد: مشکل اينجاست که چنين اعدادی برای مردم عادی قابل لمس نيستست. وقتي از ريزش چندين تريلون دلاری بازارهای مالي صحبت می‌کنيم، یک متخصص معنای آن را بهتر درک می‌کند، اما انتقال آن به افکار عمومي دشوار است.

وی افزود: در همين شرايط، با یک فضا سازی رسانه‌ای سنگين حتی ذهن برخی مسئولان نيز تحت تاثير قرار گرفته و اين گزاره شکل گرفته که چرا تنگه هرمز بسته شد يا چرا اقدامات اخير انجام شد.

روايتان گفت: به اعتقاد من، نقطه عطف کنونی می‌تواند به تثبيت یک نظم جديد در منطقه منجر شود و قدرت‌هایی مانند چين در اين روند نقش مهمی دارند.

وی با اشاره به مواضع اخير چين گفت: شی جين پينگ امروز صريح‌تر از گذشته درباره چين به عنوان عنصر نظم‌ساز صحبت می‌کند و چنين ادبياتي پيش تر با اين وضوح مشاهده نمی‌شد.

وی ادامه داد: اين همان نقطه تعيين‌کننده‌ای است که ممکن است در آينده حضور خود را در منطقه کاهش دهد، احتمالاً به او می‌گفتند متوهم است؛ اما اکنون بسياری از موضوعاتی که در روزهای نخست غيرممکن به نظر می‌رسيد، وارد گفت‌وگوهای عادی شده است.

وی افزود: در همين شرايط، با یک فضا سازی رسانه‌ای سنگين حتی ذهن برخی مسئولان نيز تحت تاثير قرار گرفته و اين گزاره شکل گرفته که چرا تنگه هرمز بسته شد يا چرا اقدامات اخير انجام شد.

روابط ايران و چين بايد از معامله به «همسویی سيستماتيک» برسد
وی در ادامه با اشاره به مسئله پيشرفت اقتصادي گفت: اگر هدف اقتصاد مقاومتی اين است که کشور از چرخه فشار عبور کند و از نظر اقتصادي رشد و پيشرفت داشته باشد، اين موضوع نيز به نوع رابطه با چين ارتباط پيدا می‌کند.

اين کارشناس شرق آسيا تاکيد کرد: تعامل ايران و چين در فضای نظم نوين جهاني و منطقه‌ای بايد از «معاملات اقتصادي» به سمت یک «همسویی سيستماتيک» حرکت کند؛ چيزی که در حال حاضر در روابط دو کشور وجود ندارد.

وی افزود: نمی‌توان تمام دغدغه دستگاه‌های مختلف کشور درباره چين را به اين محدود کرد که چيني‌ها چند بشکه نفت خريدارند، پول ايران در ترانسی ها چه وضعی دارد، بانک کونلون چه اقدامی کرده يا چه مقدار خودرو می‌توان وارد کرد. اين موضوعات لازم هستند، اما اگر تمام مسئله روابط ايران و چين به خريد و فروش محدود شود، اين سطح از رابطه متناسب با شرايط امروز وفايي نيست.

وفايي ادامه داد: ايران بايد با چين وارد گفت‌وگو درباره مسائل کلان شود. در چنين چارچوبی، ايران ديگر صرفاً هدف فشارهای خارجي نيست، بلکه می‌تواند به یکی از بازگيران و شکل‌دهندگان نظم جديد تبديل شود و از اين مسير به «تسريع پيشرفت» برسد.

حتی پروژه‌های کوچک چين می‌تواند گره‌های بزرگی از ايران باز کند

اين کارشناس اقتصادي و روابط بين الملل با اشاره به مدل‌های همکاری توسعه‌ای چين گفت: طرف چيني در شرايط مختلف از پروژه‌های بزرگ، متوسط و کوچک سخن می‌گويد و ايران می‌تواند متناسب با وضعيت تحریم و محدوديت‌های موجود، حتی روی مجموعه‌ای از پروژه‌های توسعه‌ای کوچک تمرکز کند.

وی افزود: البته «کوچک» در مقياس چين با تصور ما متفاوت است و گاهی همان پروژه‌ای که برای چين کوچک محسوب می‌شود، می‌تواند گره بزرگی را در اقتصاد ايران باز کند؛ بنابراین به جای اینکه رابطه صرفاً در سطح ورود کندم، فروش نفت، جابه‌جایی کانينيزر یا یک خط‌آهن برای حفظ تاب‌آوری تعريف شود، بايد وارد فضای توسعه شد.

وفايي تاکيد کرد: حرکت از فضای تاب‌آوری به فضای توسعه‌محور می‌تواند مستقيماً به مسئله «تسريع پيشرفت» در ايران کمک کند.

اقتصاد ايران نبايد تنها با منطق «پدافند غيرعامل» طراحی شود

وی در بخش ديگری از سخنان خود با اشاره به برداشت برخی منابع چيني از اقتصاد ايران گفت: در برخی منابع انديشکده‌ای چين، اين تصوير از اقتصاد ايران ارائه می‌شود که اقتصاد کشور بر اساس مدل «پدافند غيرعامل» در حال طراحی است.

وفايي افزود: روشن است که در برخی حوزه‌ها بايد منطق پدافندی وجود داشته باشد، اما اقتصاد کشور در سطح کلان نبايد صرفاً بر مبنای پدافند غيرعامل طراحی شود، بلکه بايد بر پايه «اصول توسعه پيشگيرانه» شکل بگيرد.

وی ادامه داد: تجربه چين نيز از اين جهت قابل مطالعه است. چين در دوره‌هایی با تحریم، فشار و مشکلات اقتصادي مواجه بوده، اما همين مسير در نهايت به تبديل شدن اين کشور به دومين قدرت اقتصادي جهان منجر شده است. اگر جوهره اقتصاد مقاومتی بر اين اساس تنظيم شود، کشور به جای توقف در مرحله تاب‌آوری می‌تواند به سمت توسعه حرکت کند.

اين کارشناس شرق آسيا همچنين با اشاره به مفهوم «نوساز» به سبک چيني» گفت: تجربه‌ها و دستاوردهایی که چين ذيل اين عنوان ارائه

ايران بايد با چين وارد گفت‌وگو درباره مسائل کلان شود. در چنين چارچوبی، ايران ديگر صرفاً هدف فشارهای خارجي نيست، بلکه می‌تواند به یکی از بازگيران و شکل‌دهندگان نظم جديد تبديل شود

وفايي افزود: نمی‌توان تمام دغدغه دستگاه‌های مختلف کشور درباره چين را به اين محدود کرد که چيني‌ها چند بشکه نفت خريدارند، پول ايران در ترانسی ها چه وضعی دارد، بانک کونلون چه اقدامی کرده يا چه مقدار خودرو می‌توان وارد کرد. اين موضوعات لازم هستند، اما اگر تمام مسئله روابط ايران و چين به خريد و فروش محدود شود، اين سطح از رابطه متناسب با شرايط امروز وفايي نيست.

وفايي ادامه داد: ايران بايد با چين وارد گفت‌وگو درباره مسائل کلان شود. در چنين چارچوبی، ايران ديگر صرفاً هدف فشارهای خارجي نيست، بلکه می‌تواند به یکی از بازگيران و شکل‌دهندگان نظم جديد تبديل شود و از اين مسير به «تسريع پيشرفت» برسد.

پايان دادن به چرخه جنگ و فشار نيازمند پياده سازی «نظم پسا جنگ» توسط ايران است

می‌کند، به‌ويژه برای کشورهای جنوب جهاني، می‌تواند مورد مطالعه فعالان و پژوهشگران حوزه اقتصاد مقاومتی قرار گيرد.

شانکهای و بريکس نيز در حال تغيير کارکرد هستند

وفايي در ادامه با اشاره به نهادهایی مانند سازمان همکاری شانکهای و بريکس گفت: با تغيير فضای بين المللی، کارکرد اين نهادها نيز در حال تغيير است.

برای نمونه، سازمان همکاری شانکهای که در ابتدا ماهيتی عمدتاً امنيتی داشت، اکنون در حال گذار از یک سازگار امنيتی به یک پلتفرم توسعه‌محور است که در کنار امنيت سنتی، موضوعاتی مانند امنيت اقتصادي و امنيت فضای مجازی را نيز در برمی‌گيرد. وی افزود: اين تحولات همراه با تغييرات جديد منطقه‌ای، فرصت تازه‌ای برای ايران ايجاد کرده است تا از ظرفيت‌هایی مانند شانکهای و بريکس برای تبديل موقعيت جغرافيايي کشور به یک «هزت استراتژيک» استفاده کند؛ هرچند تحقيق اين هدف نيازمند شروط و مقدمات مشخصی است.

روابط ايران و چين به «شفاقيت استراتژيک» نياز دارد

عضو هيات علمي دانشگاه تهران در بخش پايانی سخنان خود تاکيد کرد: اجرای اين دستور کار بدون چيزی که می‌توان آن را «شفاقيت استراتژيک» ناميد ممکن نيست. ايران بايد بدون تعارف، روابط خود با چين را قند و آسيب شناسی کند.

وی افزود: برای طراحی یک دستور کار راهبردی و بلندمدت در روابط با چين بايد صادقانه درباره محدوديت‌ها سخن گفت. ما می‌دانيم پيشرفت برنامه ۲۵ ساله ايران و چين مناسب نبوده، اعتماد سياسی راهبردی کافی ميان دو کشور وجود ندارد و در چين برداشت‌های متفاوتی نسبت به جا يگاه ايران در منطقه وجود دارد.

وفايي ادامه داد: همچنين بايد پذيرفت که تحریم‌های امريکا و کشورهای غربي روابط ايران و چين را محدود می‌کند. انکار اين واقعيت کمکی به حل مسئله نمی‌کند. از سوی ديگر، بورورکاسی داخلی ايران نيز یکی از موانع جدی روان شدن روابط با چين است و در برخی موارد حتی بخش از تحریم به اين روابط آسيب می‌زند.

ايران و چين جديد به «طرحی نو» نياز دارند

وی در جمع‌بندي تاکيد کرد: هم برای تسريع کردن چرخه تهديد و فشار و هم برای تسريع پيشرفت اقتصادي کشور، ايران به چين نياز دارد؛ اما مسئله، «ايران جديد و چين جديد» است و روابط دو کشور نيز بايد متناسب با اين شرايط بازطراحی شود.

وفايي افزود: ابتکارات جديدی که از سوی شی جين پينگ مطرح شده روی ميز قرار دارد، اما ايران هنوز «طرح ايراني» خود را روی ميز نگذاشته است. اینکه ايران بنشيند و ديگران برای آن طرح ارائه کنند، نه شايسته جا يگاه کشور است و نه با شرايط جديد تناسب دارد. اين کارشناس شرق آسيا پيش از پايان گفتش جمهوری اسلامي بايد هرچه سريع‌تر برای کار با چين، متناسب با شرايط و موقعيت جديد، «طرحی نو» در اندازد و «روابط دو کشور را از سطح معاملات و حفظ تاب‌آوری به یک همکاری توسعه‌محور، راهبردی و متناسب با نظم جديد ارتقا دهد.

مهدی خراتيان، کارشناس سياست خارجي و روابط بين الملل، با بيان اینکه ايران در یک نقطه عطف از تقابل با امريکا قرار گرفته است، گفت: اريزایی اين تقابل تنها با مقايسه شاخص‌های داخلی اقتصاد ايران و امريکا خلاصت و بايد اثر جنگ و اقدامات ايران بر بازارهای مالي، انرژی، نرخ بهره و اوراق امريکا نيز در محاسبات ديده شود. توافق اسلام‌آباد ماحصل شوک ۱۱ هزار ميليارد دلاری ايران به بازارهای مالي جهان بود و امروز هم ترس از شوک جديد ايران را جلوی برد. تنگه هرمز، بازار نفت و ساير اهرم‌های ايران نبايد تنها برای عبور مقطعی از بحران مصرف شوند، بلکه بايد به ابزار ايران برای گرفتن امتياز از قدرت‌های بزرگ و ورود فعال به نظم‌سازی منطقه‌ای تبديل شوند.

ايران بايد با کمک چين و روسيه طرح ايجابی خود را برای نظم پسا جنگ روی ميز بگذارد و در چارچوبی شبيه «پيمان هلسينکی» به سمت تعريف حوزه‌های نفوذ و شهم قدرت حرکت کند.

مهدی خراتيان، کارشناس سياست خارجي و روابط بين الملل، با بيان اینکه ايران اکنون در یک «نقطه عطف» از جنگ قرار گرفته است، گفت: از زمانی که تقابل ايران و امريکا وارد چيزی شده که از آن به عنوان «رقابت تاب‌آوری» ياد می‌شود، در داخل کشور اين پرسش مطرح شده که اساساً اقتصاد ايران چه نسبتی با اقتصاد امريکا دارد؛ امريکا تورم سده‌صدي دارد و ايران با تورم بسيار بالا مواجه است، پس اين دو چگونه قابل مقايسه‌اند؟ اين نوع مقايسه، بخشی مهمی از محنه ناپايدی می‌گيرد. برای نمونه، در ماه نخست جنگ حدود ۱۱ تريليون دلار از ارزش بازارهای مالي از بين رفت؛ هرچند بعداً پيش مهمی از آن برگشت.

«توافق اسلام‌آباد» نتيجه شوک بازارهای مالي بود

خراتيان ادامه داد: به اعتقاد من، توافق اسلام‌آباد نيز بی‌ارتباط با همان شوک نبود. ترامپ «عاشق چشم و ابروي ما نبود» که چنين توافقی را بپذيرد؛ ابتدا لازم بود شوک وارد شده به بازارهای مالي همه شود و سپس شرايط آرام‌تر شود.

وی افزود: بعد از ماه جولای و تصميم ايران برای هدف قرار دادن کشتی‌ها، ذخاير نفتی جهان کاهش پيدا کرد و حساسيت بازار نفت بالاتر رفت.

اين کارشناس روابط بين الملل گفت: در ادامه، روايت قرار